

یادداشت

پيامدهای ناگوار رها کردن مجرمان سابقه‌دار در جامعه



محمد زاهدی اصل

استاددانشگاه

وظیفه و نقش دولت و نهادهای مسئول

در این بخش طرح این پرسش ضرورت دارد که چرا وقتی یک جرم سیاسی اتفاق می‌افتد در دولت پیگیری می‌شود و فرد خطاکار از خیلی‌ا از مجرم محروم می‌شود و به نوعی تحت‌نظر قرار می‌گیرد، اما وقتی جنایتی مثل این حادثه‌صورت می‌گیرد از متهم که از مجرمان سابقه‌دار است مراقبت نمی‌شود؟

در مقابل جرم صورت گرفته و متهم آن، نهادهای مسئول از نیروی انتظامی تا سازمان زندان‌ها به نوعی مسئولیت دارند.
چطور فردی به‌رغم همه سوابق (همانند این مجرم با ۱۵ فقره سابقه) در جامعه به راحتی همان جرم‌ها را با شدت بیشتر انجام می‌دهد؟ در اینجا یک پراتز باز می‌کنم و می‌گویم در یک همایشی که در قوه قضائیه برگزار شد و در آن مجازات جایگزین مطرح شد، همه اتفاق نظر داشتند که در مجازات‌های ما زندان نمی‌تواند آدم‌ها را اصلاح کند، فلسفه وجودی زندان برای اصلاح رفتار است، ولی متأسفانه زندان‌ها تبدیل به مرکز بدآموزی شده و افراد خطاکار در زندان آموزش می‌بینند و خطرناک‌تر می‌شوند و وقتی بیرون می‌آیند به حال خود‌ها می‌شوند.

بنابراین باید قبول کنیم زندان اصلاح نمی‌کند بلکه بدآموزی را بیشتر و آدم‌ها را در جرمشان متخصص‌تر می‌کند.
باید تدبیر جدی اندیشیده شود و تدبیر جدی برای مراقبت بعد از خروج اتخاذ شود. افرادی که متعدد مجرم شناخته شده‌اند و سابقه طولانی در جرائم و زندانی شدن دارند چرا نباید مراقبت بشوند؟ نهادهای مسئول نمی‌توانند تدبیری اتخاذ کنند و کنار آن علمای جامعه کمک کنند تا راه‌های عملی‌تری اتخاذ شود تا مثل مجرمان سیاسی از بعضی حقوق‌ها، روابط و مناسبات محروم باشند و تحت نظر باشند؟ به خصوص افرادی که نشان داده‌اند اصلاح پذیر نیستند و سابقه طولانی در جرم دارند و برای مسئولان شناخته شده‌هم نیستند، چراکه پرونده آنها در سازمان زندان‌ها و دادگاه‌ها هست و باید تحت نظر قرار بگیرند، چرا اگر این شرایط مهیا بود این اتفاق اتفاقات مشابه پیش نمی‌آمد.
عدم مراقبت‌ها و نظارت است که فضا را برای مجرمان مهیا می‌کند تا وارد فضای شوند که جرم‌های سنگین‌تری را مرتکب شوند.

وظیفه و نقش مردم

در این مورد مخاطب مردم خوب کشورمان هستند. آنها باید حواسشان را جمع و دقت بیشتری کنند. جامعه ما وضعیت مطلوبی به دلیل بیکاری، شرایط اقتصادی و… ندارد، البته این وضعیت برای هرشان مشابه نیست، اما باید بدانیم آدم‌های جامعه تحت تأثیر شرایط مختلف مردم است مرتکب جرم شوند، البته نمی‌خواهم احساس عدم امنیت را تشدید کنم، بلکه هدف تشدید احساس مراقبت و ضرورت آن است که باید تقویت شود.
مردم باید خود مراقبتی لازم‌را داشته باشند و حواسشان جمع باشد تا به عنوان مثال برای هر فرد غریبه و هر فردی که در لباس مبدل با بهانه‌های مختلف، دست‌نکرده و در راه باز بکند، آن هم در مجتمع‌های مسکونی چند واحد که خانواده‌های زیادی زندگی می‌کنند بنابراین خطرات بیشتری آنها را تهدید می‌کند و نیاز است به هشدار های پلیس در رابطه با مجتمع‌های مسکونی و آپارتمان‌نشینی توجه بیشتر کنند.
در این زمینه نیز معمولاً زنان و کودکان هم در معرض خطر بیشتری قرار دارند. به هر حال باید بدانیم جامعه ما تحت فشار است و انواع بزها در آن وجود دارد. وقتی آمار بالای معتادان را می‌شنویم باید قبول کرد افراد درگیر با اعتیاد با توجه به اینکه گزارش شده ۷۰درصد جرائم مربوط به اعتیاد است، برای تهیه و مصرف آن محتاج است و به هر جنایتی برای رسیدن به مواد دست می‌زند. مردم بهترین ناظران هستند. آنها باید به نیروی انتظامی و به مسئولان اعتماد داشته باشند و اگر رفتار مشکوکی دیدند به پلیس و نهادهای دیگر اطلاع دهند تا فضا با مراقبت خود مردم امن‌تر شود و این اتفاقات رخ ندهد. این مراقبت طبیعتاً در کلان شهرها باید بیشتر باشد؛ چراکه در کلانشهرها بنا به ویژگی‌های خاص آن این قبیل اتفاقات نسبت به شهرهای کوچک بیشتر می‌افتد.
همچنین اگر والدینی مجبور هستند بچه‌ها را تنها بگذارند و زنی در خانه تنها باشد باید به هشدارهای پلیس توجه بیشتری شود.

بنابراین هر دو بخش، مسئولان و مردم باید دست به دست هم دهند تا فضا امن‌تر و از فجایعی که دل انسان را به درد می‌آورد جلوگیری شود.
ما می‌خواهیم جامعه خودمان را به جهنمان معرفی کنیم. بنابراین با تأکید قرآن کریم به امنیت و رفاه و اینکه لازمه آن تفاهم و همدلی و مراقبت بیشتر و نظارت عمومی است، احساس مسئولیت نهادهای ذی ربط می‌تواند فضای را به وجود بیاورد تا شاهد این قبیل حوادث تلخ نباشیم.

نقش والدین و نظام آموزشی

ما بختی داریم به نسام مهارت زندگی. این مهارت زندگی باید آموزش از زمان بدو تولد باشد و خانواده‌ها به کودکان مراقبت از خود را آموزش دهند، بخشی از این مسئولیت متوجه نهادهای آموزشی مثل آموزش و پرورش و دانشگاه‌هاست که متأسفانه در کتاب‌ها و مدارس خیلی وارد این مباحث نمی‌شوند، البته اخیراً کمی حساسیت ایجاد شده اما بخش قابل توجهی از آن بر عهده خانواده‌ها و والدین است.
باید جسدسارت زندگی فرد را به جدت نه گفتن را به بچه‌هایمان یاد دهیم تا در به درخواست‌های نامشروع و مشکوک جواب نه دهند.

آموزش و پرورش و نهادهای علمی و خانواده‌ها مسئولیت دارند که در این راستا همت کنند.بخش قابل توجه مصیبت از اینجا شروع می‌شود که کودکان به انتظارات دوستان و افراد نه نمی‌گویند.
به موقعیت‌هایی که به نوعی در مسیر زندگی شان قرار می‌گیرد مقابله نمی‌کنند و گاهی تحت تأثیر آن موقعیت ممکن است وضعیتی پیدا کنند که به زود و کار خلاف کشیده شوند.
بنابراین آموزش مهارت زندگی اهمیت دارد تا کودکان بدانند اگر کسی با کلام‌های فریبنده و به بهانه‌های مختلف خوست وارد حریم شخصی از جمله خانه شود در مقابل آن مقاومت کنند.
همه این موارد زوایایی از زندگی است که باید از طریق یادگیری به کودکان انتقال داده شود تا با خود مراقبتی شاهد این قبیل حوادث تلخ نباشیم.

آموزش اعضای خانواده برای پیدا کردن مهارت‌های لازم هنگام مواجهه با خطر‌هایی که همواره در کمین است می‌تواند تبهکاران را در رسیدن به اهداف شومشان ناکام بگذارد.

این موضوع اما به معنای رفع مسئولیت از پلیس و دستگاه قضایی نیست که مجرمان بزرگ و داد رمل شدند.
دختر بیچه هشت‌ساله قرار گرفته بودند، یکی از آنها گفت: من در خانه مشغول تماشای تلویزیون بودم که زنگ خانه را زدید. ایفون را که برداشتم مردی گفت که با پدرم تماس گرفته بودم، او با تهدید چاقو من را به داخل خانه کشاند و…

ای مادرم خانه است که گفتم همراه پدرم بیرون رفتم است و ایفون را گذاشتم. هنوز مدت زیادی نگذشته بود که دوباره زنگ خانه را زدید. ایفون را که برداشتم دوباره همان مرد بود. گفت که از ۱۳۰ناری آباد خبر دادند حادثه‌های هولناک در خانه‌شان رقم خورده است. پدر خانواده گفت: ساعاتی قبل در حالی که دختر هشت‌ساله‌ام در خانه تنها بود با همسرم برسی انجام کار می‌بیرون رفتم. کارهایمان را انجام دادیم و زمانی که برگشتم متوجه به هم ریختگی داخل خانه شدم. اول از هر چیز نگران دختر مان شدم. خودمان را که به اتاق خواب رساندیم، دیدیم که دست و پا و دهانش بسته است. همچنین متوجه شدیم که به بچه‌مان تعرض شده است.

شاکي گفت: کسی که به دخترمان تعرض کرده ۲۰میلیون تومان پول و طلا هم سرقت کرده است. بعد از مطرح شدن شکایت و نظر به اهمیت پرونده به دستور قاضی محمد شهریاری تیمی از کار آگاهان اداره شائزدهم پلیس آگاهی تهران پلیس و دستگاه قضایی مستقر در دهشت هشت‌ساله بزرگ وارد عمل شدند.
دختر بیچه هشت‌ساله قرار گرفته بودند، یکی از آنها گفت: من در خانه مشغول تماشای تلویزیون بودم که زنگ خانه را زدید. ایفون را که برداشتم مردی گفت که با پدرم تماس گرفته بودم، او با تهدید چاقو من را به داخل خانه کشاند و…

ای مادرم خانه است که گفتم همراه پدرم بیرون رفتم است و ایفون را گذاشتم. هنوز مدت زیادی نگذشته بود که دوباره زنگ خانه را زدید. ایفون را که برداشتم دوباره همان مرد بود. گفت که از ۱۳۰ناری آباد خبر دادند حادثه‌های هولناک در خانه‌شان رقم خورده است. پدر خانواده گفت: ساعاتی قبل در حالی که دختر هشت‌ساله‌ام در خانه تنها بود با همسرم برسی انجام کار می‌بیرون رفتم. کارهایمان را انجام دادیم و زمانی که برگشتم متوجه به هم ریختگی داخل خانه شدم. اول از هر چیز نگران دختر مان شدم. خودمان را که به اتاق خواب رساندیم، دیدیم که دست و پا و دهانش بسته است. همچنین متوجه شدیم که به بچه‌مان تعرض شده است.

حوادث

سرویس حوادث۸۸۹۸۴۳۵



اعتراف دزد شیطان صفت

به ۲۲ فقره تجاوز در ۵ روز

مجرم از سال ۸۰ تاکنون ۱۵ بار به دلیل ارتکاب جرائم مختلف دستگیر شده و به زندان رفته بود

نازی آباد، منیریه، فلاح و مولوی به کلاتری های شهر گزارش شد. بررسی‌های کار آگاهان پلیس حکایت از این داشت که کودکان آزار دیده ۵ تا ۱۳ساله هستند که به همان شیوه مورد آزار قرار گرفته‌اند.
در بین شکایت‌های مطرح شده دوزن ۲۵ و ۳۰ساله هم به همان شیوه مورد آزار جنسی بزرگ وارد عمل شدند.
دختر بیچه هشت‌ساله قرار گرفته بودند، یکی از آنها گفت: من در خانه مشغول تماشای تلویزیون بودم که زنگ خانه را زدید. ایفون را که برداشتم مردی گفت که برای صاحبخانه پول آورده و خواست که پول را به دستش برسانم که اعتماد کردم و در راه باز کردم. وقتی خواستم از آپارتمان خارج شوم تا خودم را به در ساختمان برسانم مردی چاقو به دست را مقابل خودم دیدم. او با تهدید چاقو من را به داخل خانه کشاند و…

تهدید چاقو من را به داخل خانه کشاند و…

در حالی که بر تعداد شاکیان اضافه می‌شد کار آگاهان پلیس با بررسی دوربین‌های مدارسسته موفق شدند تصویر متهم را به دست آورند. بعد از به دست آمدن تصویر متهم، شاکیان او را شناسایی کردند.
مأموران پلیس هم بعد از مراجعه به بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار هویت سارق شیطان صفت را که مردی ۳۲ساله به نام عارف بود، شناسایی کردند.
عارف از مجرمان سابقه‌دار بود که از سال ۱۰ابیش ۱۵ بار به اتهام جرمایی مثل سرقت، مزاحمت برای نوامیس، شرب خمر، اخلال در نظم عمومی، بزرگ در جریان است.

عکس اینستاگرامی سارق عصاب دست راز سرت ۱۰۰ میلیونی را برملا کرد



وی گفت: پس از سرقت طلاهایم دیگر از عماد خبری نداشتم تا اینکه امروز وقتی در شبکه اجتماعی اینستاگرام بر سه می‌زدم صفحه شخصی عماد را دیدم که در یکی از پست هایش با همان سارق عصاب بدست عکس گرفته بود. همان لحظه متوجه شدم که طراح اصلی سرقت طلاهایم عماد است که با همدستی دوستش این نقشه را اجرا کرد.
با اظهارات جدید شاکي، مأموران تحقیقات برای شناسایی عماد آغاز کردند تا اینکه چند روز قبل وی را از یکی از باربری های جنوب شهر شناسایی و دستگیر کردند.
متهم پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اقرار کرد.
وی گفت: روزی که ماشین لباسشویی شاکي را به خانه‌اش بردم متوجه شدم او طلاها و جواهرات زیادی همراه خودش دارد به همین دلیل وسوسه شدم و تصمیم گرفتم با نقشه‌ای طلاهایش را سرقت کنم. من با چرب زبانی اعتماد او را جلب کردم و شماره تلفن همراهم را به او دادم و چند باری هم برای او خرید کردم و کرایه کمی گرفتم بدین ترتیب اعتماد او به من بیشتر شد تا اینکه نقشه اصلی را همراه یکی از دوستانتان به نام بهنام طراحی و اجرا کردیم. آن روز او را به بهانه خرید برنج سوار خودروام کردم و برای بهنام هم به صورت سوری پایش را باند پیچی کرد مسافر سوار خودروی من شد. ما فکر نمی‌کردیم او متوجه نقشه ما شود اما خیلی زود دست ما رو شد.
متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس پرونده در اختیار کار آگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.
مأموران در تلاشند تا همدست متهم را دستگیر کنند.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت شاکي دوباره به اداره پلیس رفت و از همدستی عماد با سارق عصاب بدست برده بداشت.

آموزش مهم‌ترین مؤلفه پیشگیری اجتماعی است

معاون اجتماعی پلیس پایتخت با بیان این که امنیت یک مفهوم چند وجهی و پیچیده است و مؤلفه‌های زیادی در ایجاد و تولید آن نقش دارد، گفت: «امنیت پایدار» در سایه مشارکت‌های اجتماعی با همه اقشار جامعه و نهادهای دولتی و مردمی ایجاد می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ مراد مرادی در کارگاه علمی نقش و سازمان‌های مردم‌نهاد، پیشگیری اجتماعی را مقدم بر اقدامات انتظامی بر شمرده و تأکید کرد که مهم‌ترین مؤلفه پیشگیری اجتماعی آموزش است. وی ادامه داد: نقش اصلی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه ارتقای امنیت اجتماعی عمدتاً در زمینه‌های آموزش و اطلاع‌رسانی و پیشگیری اجتماعی است و این سازمان‌های مردم‌نهاد باید ارتباطی بین مردم و حاکمیت هستند.



نجات کروکمان ۱۳ساله لودسه ۱۳ آدم‌ربا

سه مرد تبهکار که در شهرستان گرمدره کرج با ربودن پسر ۱۳ساله قصد اخاذی از خانواده‌اش را داشتند، بازداشت شدند.

ساعت ۲۱ شامگاه پنج‌شنبه بود که اعضای خانواده‌ای در شهرستان گرمدره با مأموران پلیس خبر دادند که پسر ۱۳ساله‌شان ناپدید شده‌است. پدر او گفت: ساعت پنج عصر امروز بصرم مطابق برنامه‌اش به آموزشگاه زبان رفت اما دیگر به خانه برگشت. وقتی با آموزشگاه تماس گرفتم گفتند که او بعد از تعطیلی کلاس محل را ترک کرده است.

همزمان با طرح شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی کرج در این باره تحقیق کردند. بررسی‌ها در جریان بود که پدر گروگان اطلاعات تازه‌ای در اختیار پلیس گذاشت. او گفت: فرد شناسایی از شماره بصرم با دخترم تماس گرفته و در قبال راهی بصرم درخواست پول کرده‌است. مرد ناشناس تهدید کرده است که اگر پول بپردازم دخترم با برسی تماس گرفته و در قبال آنها برسد گروگان خود را خواهد کشت. با اطلاعاتی که شاکي در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان با بررسی تماس برقرار شده و در جریان تحقیقات فنی خود موفق شدند محل نگهداری گروگان را که خرابه‌ای حوالی شهرستان ملارد بود شناسایی کنند. ۱۰ ساعت بعد از اعلام شکایت بود که کارآگاهان موفق شدند که خانواده‌های گروگان، سه‌آدم‌ربا را بازداشت کنند. سرهنگ محمدنادر بیگی، سرپرست پلیس آگاهی استان البرز گفت: یکی از متهمان در توضیح شیوه آدم‌ربایی گفت: روز حادثه مقابل آموزشگاه کمین کردیم. من با دستمال آغشته به ماده‌بی‌هوشی پسر نوجوان را بیهوش کردم و سپس با کمک همدستانم او را سوار خودرو کرده و به محروبه منتقل کردیم. بعد برای اخاذی از خانواده‌اش با آنها تماس گرفتم اما به جای رسیدن به پول، مأموران به سرافمان آمدند و ما را بازداشت کردند. سرهنگ نادر بیگی گفت: تحقیقات بیشتر از متهمان در جریان است.

مرد همسر کشی به قصاص محکوم شد

مردی که به اتهام قتل همسرش در بازداشت به سر می‌برد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و به مرگ محکوم شد
به گزارش خبرنگار ما، سال ۹۵، مأموران کلاتری ۱۴۲ کن از قتل زن ۳۵ساله به نام اراضیه با خبر و راهی محل شدند.
مأموران پلیس در محل حادثه با پیکر بی‌جان زن جوان در حالی که با ضربات چاقو به کام مرگ فتنه‌یافته مواجه شدند. آنها همچنین با پیکر نیمه‌جان شوهرش رضا در حالی که اقدام به خودزنی کرده بود روبه‌رو شدند و رضا را به بیمارستان منتقل کردند. او بعد از بهبودی گفت: «بیماری اعصاب داشتم و دارو مصرف می‌کردم اما مدتی بود دارو‌ها را ترک کرده بودم. به همین خاطر بیماری‌ام پیشرفت کرده بود و به همسرم مظنون بودم. این موضوع خیلی اذیت‌می‌کرد تا اینکه حادثه نقشه‌قتل او را کشیدم.»
متهم ادامه داد: «صبح روز حادثه به سراز همسرم رفتم و چند ضربه به او زدم بعد خودزنی کردم اما زنده ماندم.»
متهم در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی متین راسخ محاکمه شد و به‌دلیل درخواست قصاص از سوی پدر مقتول و دخترش به قصاص محکوم شد.

تصادف مرگبار در شادآباد

تصادف خودروی سواری پژو با کامیونت در خیابان شادآباد حادثه خونینی را رقم زد.
به گزارش خبرنگار ما، جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران گفت: این حادثه ساعت ۱۰ دقیقه پامداد در بزرود محله شادآباد اتفاق افتاد که در جریان آن سواری پژو با پنج سرنشین و کامیونت با هم تصادف کردند. وی گفت: لحظاتی بعد از حادثه نشانگان از دو ایستگاه در محل حاضر شدند. وی ادامه داد: وقتی امدادگران در محل حاضر شدند راننده کامیونت بدون هیچ آسیبی از خودرو پیاده شده بود. اما او مرد و سه‌زن سرنشینان خودروی پژو گرفتار شده بودند که آتش‌نشان‌ها با برش قطعات خودرو هر پنج سرنشین را به بیرون منتقل کردند. وی ادامه داد: در بررسی‌های بعد معلوم شد یک‌نفر از سرنشینان خودروی پژو که مردی حدوداً ۲۰ساله بود به علت شدت جراحات وارده جان خود را از دست داده بود. جلال ملکی گفت: متهمان در تلاشند تا همدست متهم را دستگیر کنند. متهمان در تلاشند تا همدست متهم را دستگیر کنند. متهمان در تلاشند تا همدست متهم را دستگیر کنند.

قانونی فرستاده شد. علت حادثه در دست بررسی است.